

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۱،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۲-۱۱

فقه منظوم شیعی در دو قرن اخیر*

سیدمحمد امامزاده

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر حسن عبدالهی

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: HSN.Abdollahi@yahoo.com

چکیده

یکی از روش‌های دانشمندان گذشته، برای فراگیری بهتر و سریعتر علوم، به نظم کشیدن مطالب علمی بوده است. به این نوع اشعار اصطلاحاً شعر تعلیمی گفته می‌شود. در آثار و تألیفات فقهای شیعه دو قرن اخیر منظومه‌های علمی زیادی در علوم فقه، اصول، اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، رجال و ادبیات عرب دیده می‌شود. در این میان، منظومه‌های فقهی بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم؛ در بخش نخست به مهمترین منظومه‌های دو قرن اخیر اشاره شده، و در بخش دوم برای آشنائی بیشتر با این منظومه‌ها به بررسی و تحلیل سه منظومه پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: ارجوزه، منظومه، فقه، فقها، شیعه، قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۲/۲۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۰۷/۱۸.

مقدمه

شعر تعلیمی یکی از موضوعات اشعار عربی است که سابقه طولانی در ادبیات عربی دارد. در علوم مختلف مانند صرف، نحو، علوم بلاغی، منطق، فلسفه، کلام، فقه و اصول فقه، شعرا قواعد و احکام آنها را جهت سهولت حفظ به صورت ارجوزه‌ها و منظومه‌هایی درآورده‌اند.

حسن بن علی بن داود حلّی معروف به ابن داود متوفای بعد از ۷۰۷ ق.، سه ارجوزه در کلام، امامت و فقه دارد که برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ هـ. ش با تحقیق و تعلیق آقایان حسین درگاهی و حسن طارمی بوسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زیور طبع آراسته گردید. علامه متتبع و پرتوان، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پر ارج خود «الذریعه الی تصانیف الشیعه» تعداد ۶۳۶ منظومه علمی در رشته‌های مختلف را نام می‌برد که شعرا و علمای شیعی آنها را سروده‌اند. در این میان، ارجوزه‌ها بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند و شمار آنها به ۲۳۴ می‌رسد. در حرف همزه می‌گوید: «در اینجا منظومه‌هایی را ذکر می‌کنیم که در بحر رجز سروده شده است. اما اگر منظومه‌ای در بحری غیر از رجز باشد و یا آن را ندیده و از بحر آن اطلاعی نداشته باشم، آن را در حرف میم به عنوان منظومه ذکر خواهم کرد و در صورتی که منظومه دارای یک قافیه باشد آن را در حرف قاف به عنوان قصیده می‌آورم» (تهرانی، ۱۳۸۷ هـ. ق: ۴۵۰/۱).

اما چرا وزن اغلب منظومه‌های فقهی بحر «رَجَز» است؟ زیرا اولاً حفظ اشعاری که بر این وزن می‌باشد به علت خفیف بودن بحر آن، آسانتر می‌باشد و به سهولت به ذهن سپرده می‌شود. ثانیاً در آوردن مطالب علمی در قالب این وزن برای ناظم اشعار، به خاطر جوازات ذکر شده در این بحر، آسانتر است. وزن تام و سالم بحر رجز چنین است:

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

اما جایز است به جای «مستفعلن» اوزان «مفاعِلُن» و «مُفْتَعَلُن» و «فَعَلْتُن» را نیز به کار برد. به این علت، برخی این بحر را «حمار الشعر» یا «حمار الشعراء» نامیده‌اند. اما بعضی معتقدند که مناسب‌تر بود آن را «عالم الشعر» می‌نامیدند زیرا نظم آن آسان است و تمام علمایی که متون علمی مانند فقه، نحو، منطق و طب را به نظم درآورده‌اند، این بحر را اختیار نموده‌اند.

ارجوزه‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

نوع اول: ابیات دارای یک قافیه می‌باشند. این گونه ارجوزه‌ها در اشعار عربی، به خاطر مشکل وحدت قافیه اندک است.

نوع دوم که آن را مزدوجات می‌نامند، تنها هر دو مصرع ابیات آن دارای یک قافیه می‌باشد. بیشتر اشعار تعلیمی به خاطر سهولت نظم آنها از این نوع هستند.

در گذشته نه چندان دور در میان این اشعار تعلیمی، منظومه‌های فقهی جایگاهی رفیع داشته و از رواجی خاص برخوردار بوده است، ولی در زمان حاضر، متأسفانه، این میراث فقهی عظیم کمتر مورد توجه حوزه‌های علمیه و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن قرار گرفته و مورد غفلت واقع شده است. شایسته است که این گنجینه گرانبهای فقهی بار دیگر احیا شود.

در اکثر ابواب فقه، یک یا چند منظومه وجود دارد. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، آنها را به ترتیب حروف الفبا ذکر کرده است مانند ارجوزه الاثنی عشریة فی الصلاة، ارجوزه فی احکام الاموات، ارجوزه فی الارث، ارجوزه فی الحج ... و در پایان ارجوزه فی الوضوء و ارجوزه فی الوقف. اگر با باب طهارت آغاز می‌شد و به باب دیات ختم می‌شد با کتابهای فقهی هماهنگی و مطابقت داشت. در کتابهای رجال و تراجم به غیر از آنچه که مرحوم آقا بزرگ تهرانی ذکر کرده است، منظومه‌های فقهی دیگری وجود دارد که پس از تألیف الذریعه سروده شده است و یا از قلم وی افتاده است.

برخی از این منظومه‌ها در اصل کتاب فقهی یکی از فقها بوده، که این فقیه شاعر

آن را به نظم درآورده است مانند «الدرة الصغرى في نظم الالفية الشهيدية» نوشته عموی شیخ بهائی، شیخ نورالدین علی بن عبدالصمد حارثی همدانی. (همان: ۱۵/۱۸)

در این زمینه دو مقاله نوشته شده است یکی در شماره ۳۸ آئینه پژوهش نوشته سید صادق محسنی به عنوان منظومه‌های فقهی که نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه فهرست منظومه‌های فقهی را از آغاز تاکنون به ترتیب ابواب کتابهای فقه، از طهارت تا دیات ذکر کرده است. بیشتر این منظومه‌ها از کتاب ارزشمند (الذریعه) استخراج شده است و فقط درباره (الدرة النجفیة) نوشته سید مهدی بحر العلوم توضیح مختصری پیرامون شروح آن داده است. در این مقاله نام ۱۷۵ منظومه و ارجوزه دیده می‌شود.

مقاله دیگری به زبان عربی در شماره‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲ فصلنامه اهل البيت عربی نوشته سید محمد جواد جلالی به عنوان (فی رحاب المكتبة الفقهية، الفقه المنظوم) چاپ شده است.

نویسنده در این پژوهش، پس از درآمدی پیرامون مقایسه منظومه‌های فقهی شیعه با منظومه‌های اهل سنت به دوازده منظومه فقهی اهل سنت اشاره می‌کند و می‌گوید: من بیش از این منظومه‌ای را از اهل سنت نیافتم، در حالی که بیش از ۱۸۰ منظومه در فقه شیعه از آغاز تاکنون نگاشته شده است. سپس در بخش نخست مقاله فهرست منظومه‌هایی را که در تمام ابواب فقه می‌باشد به ترتیب سال وفات ناظم آن ذکر کرده است. در بخش دوم نیز به همین ترتیب فهرست منظومه‌هایی که در یک باب فقه می‌باشد، بیان کرده، اما منظومه‌هایی که در بیش از یک باب بوده ولی تمام فقه را شامل نبوده در هر دو بخش آورده است. در این مقاله هم بیشتر مطالب از کتاب الذریعه نقل شده است.

بخواست خدا ما در این نوشتار بنا داریم با نگاهی عمیق‌تر و فراگیرتر از آنچه انجام شده به مقوله فقه منظوم بپردازیم، لذا در این مقاله علاوه بر معرفی برخی از منظومه‌های فقهی در دو قرن اخیر به عنوان نمونه چند منظومه فقهی را مورد بررسی و

تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم؛ بنابراین بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم:

بخش اول: معرفی منظومه‌های فقهی

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان منظومه‌های فقهی دو قرن اخیر را به سه گروه تقسیم کرد:

الف: منظومه‌هایی که همه ابواب فقه را در بر می‌گیرد.

مهمترین منظومه‌هایی که همه ابواب فقه از طهارت تا دیات را دربرمی‌گیرد، عبارتند از:

۱ - منظومه شیخ ابراهیم صادق (م ۱۲۸۸ ق.)؛

این منظومه حدود هزار و پانصد بیت دارد که خود ناظم سی بیت از کتاب طهارت آن را شرح داده است، آغاز آن

الماء اما مطلق و ذاک ما یسبق للفهم متی ما قیل ما

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۷۰/۱)

آب یا مطلق است و آن آبی را مطلق گویند که هرگاه آب گفته شود به ذهن

تبادر کند.

۲ - منظومه شیخ احمد ستری (م ۱۳۱۵ ق.) که بیش از دو هزار و پانصد بیت

است (همان: ۲۶۴)

۳ - ارجوزه سید محسن کاظمی اعرجی (م ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ق.) بنام *الفقهیه*

المستظرفه؛

این ارجوزه دارای هزار بیت می‌باشد بدین جهت الفیه نامیده می‌شود. آغاز آن:

سبحان من محسن بالنعیم قبل وجوبها بفضل الکرم

در ادامه می‌گوید:

سمیتها الفقهیه المستظرفه یوجب ضبطها مزید المعرفه

این منظومه در سال ۱۲۷۱ چاپ شده است. نسخه کاملی از آن تا آخر دیات با اختلاف در برخی الفاظ یا یک بیت و یا یک جمله در کرمانشاه در میان کتابهای مولی محسن فرزند مولی سمیع به خط وی وجود دارد. نوه وی حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م ۱۳۴۶ ق.) می‌گفت: ناظم این ارجوزه جدا ما می‌باشد نه سید محسن کاظمی اعرجی. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۹۷/۱۶ و ۱۲۱/۸)

سید محسن امین در اعیان الشیعه این الفیه را جزء تألیفات سید محسن کاظمی اعرجی نیآورده است و نیز دکتر محمد هادی امینی در کتاب معجم رجال الفکر والادب فی النجف نامی از این الفیه جزء تألیفات سید نبرده است. (امین، ۱۴۰۳: ۴۶/۹ و امینی، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۱)

شایان ذکر است که این دو محقق ارجمند از جمله تألیفات محقق کاظمی منظومه‌ای را بنام **جمع اشباه و نظائر** ذکر کرده‌اند.

۴ - منظومه **الدرة البيضاء**. ناظم آن سید میرزا ابوالقاسم فرزند سید صادق طباطبایی. ساکن تهران مشهور به سنگلجی معاصر صاحب **الدریعه** متولد ۱۲۸۷ ق.. این منظومه دارای سی هزار بیت است. آغاز آن:

اعوذ بالله من الرجیم
وبسمه الرحمان الرحیم
الحمد لله الذی هدانا
الی صراط الحق واجتباننا
در ادامه می‌گوید:

فهذه منظومة وجیزه!
نافعة للمبتغی عزیزه
سمیيتها بالدرة البيضاء
تبصرة من الطباطبائی

(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۹۲/۸)

۵- **الجنه المأوی** نوشته سید محمد بن عبدالصمد اصفهانی شهشانی (م ۱۲۸۷ ق.). این منظومه حدود یکصد هزار بیت است. سید حسن صدر درباره آن گفته است: «مشمول علی الفکاهة والفقاهة». (همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۹/۲۳ و ۱۶۰/۵)

۶ - *نبراس الهدی* نوشته حاج ملا هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق.) مشتمل بر هزار بیت است. ناظم شرحی بر آن دارد مانند منظومه اش (*غمر الفرائد*) در منطق و فلسفه. از این منظومه از کتاب طهارت تا نکاح چاپ شده است. آغاز آن:

الحمد لله الذي نوّهنّا بنور نبراس الهدى فقّهنا

وی دو منظومه دیگر در فقه دارد یکی بنام *ارجوزه فی الفقه و دیگری المقباس*.
(همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۶/۲۲، ۱۲۹/۲۳ و ۳۸/۲۴)

ب - منظومه‌هایی که برخی از ابواب فقه را در برمی‌گیرد.

مهمترین و مشهورترین این منظومه‌ها عبارتند از:

۱ - منظومه علامه سید مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق.) به نام *الدرة البهیة* یا *الدرة النجفیة* و یا *الدرة العرویه* که تمام باب طهارت و باب صلاه تا نماز طواف را در برمی‌گیرد. این منظومه مورد اهتمام و ستایش بسیاری از فقها بوده است. در اعیان الشیعه در تمجید آن می‌گوید: سرور ارجوزه‌های فقهی و بی‌همتا است. (أمین، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۱۰). این منظومه از جهت صحّت مطالب آنقدر معتبر است که در پاره‌ای از موارد صاحب جواهر به ابیات آن استشهاد می‌کند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱ - در مسأله دو طرف مشتبه می‌گوید: ولعل ذلك الذي اشار اليه السيد - شيخ مشايخنا - في منظومته، فقال في الانائين المشتبهين:

ولو تعاقبنا على رفع الحدث لم يرتفع وليس هكذا الخبث

(نجفی، ۱۳۶۷: ۳۰۶/۱)

۲ - در موضوع زوال عین نجاست می‌گوید: ولعلّه لما ذكرنا اشار السيد مهدى في منظومته، فقال:

واجعل زوال العين في الحيوان طهراً كذا بواطن الانسان

(همان، ۳۷۶/۱)

۳ - درباره حد دست می‌گوید: نعم، المتبادر من اطلاق لفظ اليد في النص والفتوى

الكف فيكون حدّها الزند كما اشار الى ذلك الطباطبائي في منظومته، فقال:

ولا يجوز المسح الا في اليد وحدها الزند اذا لم تفقد

(همان، ۱۸۵/۲)

۴ - پیرامون اشتراط مندوحه در تقيه و يا عدم اشتراط آن می گوید: واختار ثانيهما

المحقق الثاني وهو المنقول عن الشهيدین، واختاره الطباطبائي في منظومته، فقال:

وفي اشتراط عدم المندوحه قول ولكن لا اري تصحيحه

(همان، ۲۳۸/۲)

۵ - در بحث تیمم می گوید: اللهم الا ان يقال: انه بعد امر الشارع بصرفه في غيرها

كان بمنزله من لا ماء عنده، فلا خطاب بالطهاره حينئذٍ، ومن هنا قال الوحيد الطباطبائي في

منظومته بعد ذكر اسباب التيمم:

فالفرض في هذا ونحوه البدل والاصل لا يجري اذا الفرض انتقل

لكن يعود أن تكلف السبب وارفع العذر بما قد ارتكب

وضابط البطلان تحريم العمل لا النهي عما يقتضيه اذ حصل

(همان، ۱۱۲/۵)

پنجاه و شش مورد در جواهر به اشعار این منظومه استشهاد شده است. در

پاره‌ای از این موارد به مضمون اشعار اشاره می کند ولی ابیات را نیاورده است مانند

مسأله حق سبق در مشترکات، می گوید:

«أما حق السبق في المسجد ونحوه ففي بطلان الصلاة وعدمه وجهان بل قولان اقواهما

الثاني وفاقاً للعلامة الطباطبائي في منظومته» (همان، ۲۸۶/۸). در همین موضوع آقای

خویی می گوید: «وذهب في الجواهر تبعاً للسيد العلامة الطباطبائي في منظومته إلى الثاني»

(خویی، ۱۴۱۰: ۱۳/۲)

اما در بیشتر موارد ابیات را ذکر کرده است.

اما چگونگی استشهاد مرحوم صاحب جواهر به منظومه سید بحر العلوم بیشتر به

صورت تبعیت با تقویت و تأیید آراء فقهی خودش است. سید محسن حکیم در مسأله اذان می گوید: «امّا اذان الصلاة فمتصل بها وإن كان في آخر الوقت كما صرح بذلك في الجواهر تبعاً للعلامة الطباطبائي في منظومته» (حکیم، ۱۳۹۱: ۵/۵۳۹)

صاحب جواهر در کراهت کشتن شپش در مسجد می گوید: «امّا کراهة (قتل القمل) فيه وإن نص عليها غير واحد من الأصحاب، بل في الذكري انه قاله الجماعة، لكن قد اعترف بعضهم بعدم الوقوف علي نصّ دالّ عليه ولعلّه لذا تركها العلامة الطباطبائي في منظومته» (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴/۱۲۹)

و در مسأله وقت نماز می گوید: «اذا كان له طريق الى العلم بالوقت لم يجوز التعويل علي الظن واليهما اشار الطباطبائي في منظومته»:

وكل ما امكنه العلم فلا يبنى على الظن لأصل أصلاً

(همان، ۲۶۵/۷)

به جز مرحوم صاحب جواهر، فقهای دیگری مانند محقق نراقی در مستند الشیعه، شیخ اعظم انصاری در دو کتاب طهارت و صلاه و حاج آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه و از متأخرین مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة خود به آرای سید در منظومه به عنوان کتاب فقهی معتبر اشاره می کنند. جهت اطلاع بیشتر به نرم افزار مکتبه اهل البیت علیهم السلام رجوع شود.

در جلالت شأن آن همین بس که شروح و حواشی و تتمه هایی فراوان بر آن نگاشته شده است.

بیت آغازین آن چنین است:

بحمد خیر منعم والشکر له

افتتح المقال بعد البسملة

درباره نام و تاریخ نظم آن می گوید:

تاریخها عام الشروع (غره)

غراء قد وسمتها بالدره

این ماده تاریخ مطابق ۱۲۰۵ ق. می باشد.

برخی از شروح آن عبارتند از:

- **خزائن الاحکام** فی شرح المنظومة التي نظمها سيدنا بحر العلوم؛ نوشته آغا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی دربندی (م ۱۲۸۶ ق.)؛ این منظومه نزدیک یکصد هزار بیت است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۵۲/۷)
- **کشف الاسرار الخفية فی شرح الدرّة النجفیه** نوشته سید ابوالقاسم فرزند سید احمد حسینی کاشانی (م ۱۳۱۸ هـ. ق) در دو جلد؛ نویسنده ابتدا بیت شعر را ذکر می کند سپس آن را شرح می دهد از کتاب جواهر و شیخ انصاری اقوال زیادی را نقل می کند. (همان، ۱۵/۱۸)
- **شرح منظوم درّه**؛ ناظم آن از نوادگان سید بحر العلوم به نام سید حسن فرزند سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم است. (خاقانی، ۱۴۰۸: ۲۱۸/۳)
- **شرح منظومه** نوشته محمدعلی بن محمدحسن اردکانی شاگرد سید بحر العلوم. (أمینی، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۱)
- **المواهب السنیه** نوشته حاج میرزا محمود بروجرودی؛ شرحی است مبسوط و استدلالی. چاپ سنگی آن در دو مجلد در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است. این شرح تا آخر بحث کفن میت می باشد.
- در کتب تراجمی که در شرح حال فقها نگاشته شده شروح دیگری را می بینیم که جزء سی شرح ذکر شده در **الذریعه** نمی باشند مانند **شرح درّه** نوشته محمدرضا فرزند شیخ عبدالحسین آل یاسین. (همان: ۷۱/۱)
- محمدعلی اعسم شاگرد سید بحر العلوم هجده بیت در تقریظ درّه سروده است.

آغاز آن:

دره علم هی ما بین الدرر فاتحة الكتاب ما بین السور

منظومه هایی در تمیم و تکمیل درّه سروده شده است که نام بعضی از آنها در

الذریعه آمده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۴۱/۳).

۲ - *ارجوزه فی الصوم والاعتکاف والخمس* نوشته سید محمد حسنی بغدادی نجفی (م ۱۳۹۴)؛ این ارجوزه در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد می‌باشد. در سال ۱۳۸۴ ق. برای اولین بار در نجف به چاپ رسید. با اینکه وی معاصر آقا بزرگ تهرانی بوده و هر دو در نجف می‌زیستند ولی در *الندریعه* نامی از آن برده نشده است! همچنین در مقاله منظومه‌های فقهی مجله آئینه پژوهش و نیز مقاله الفقه المنظوم فصلنامه اهل بیت ذکر نشده است. در مقدمه آن می‌گوید:

ابدء باسم من الی عبادته دعا الوری کی یخلصوا فی طاعته
ومن لهم الی الصیام ندبا لکونه عندهم مقررّ با
احمده حمداً کما فقهنی اذ هو فی احکامه عرفنی

و در ادامه درباره ارجوزه‌اش می‌گوید:

ارجوزه لیس لها مماثل قد أذعنت لفضلها الافاضل
وجیزه حوت من المسائل مالیس یحصی سهله التناول

و پس از بیان احکام روزه، اعتکاف و خمس آورده است:

الحمد لله علی الإكمال مصلیاً علی النبی والآل

۳ - *منظومه فی الصوم والخمس والحج*؛ ناظم آن شیخ عباس فرزند شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کبیر کاشف الغطا (م ۱۳۲۳). در کتاب *ماضی النجف وحاضرها* در بخش تألیفات شیخ، منظومه حج را مستقل آورده است و گفته که این منظومه بیش از هزار بیت است.

در *الندریعه* این منظومه را به عنوان ارجوزه فی الصوم والخمس والزکاه والحج به نقل از کتاب *الحصون المنیعه* ذکر کرده است. (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۱۵۸/۳ و آمینی، ۱۴۱۳: ۱۰۴۳/۳ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۴۸۴/۱)

ج - منظومه‌هایی که فقط یک باب فقهی را دربر می‌گیرد عبارتند از.

۱ - *ارجوزه فی احکام الأموات*؛ نوشته سید هاشم فرزند سید احمد آل سید

کمال الدین حسینی حلی (م ۱۳۴۱ ق.) که با بیت زیر آغاز می‌شود:
 حمداً لمحیی کل ذی حیاة وقاهر العباد بالمماتة
 و با این بیت پایان می‌یابد:
 فاتتروا الحکم من الاله ونختم النظم بحمد الله
 این ارجوه خطی است و به چاپ نرسیده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ. ق.: ۴۵۱/۱).

۲ - *ارجوزة فی الأذان والاقامة*؛ ناظم آن شیخ عبدالرحیم فرزند محمدعلی شوشتری (م ۱۳۱۳ ق.) شاگرد وی سید آقا شوشتری گفته است: این ارجوزه را به خط استادم دیدم. (همان: ۴۵۲/۱)

۳ - منظومه‌های فراوانی در باب ارث سروده شده است. علت آن مشکل بودن و مورد ابتلا بودن احکام آن می‌باشد. این منظومه‌ها حفظ قواعد آن را آسان می‌کند به دو تا از آنها اشاره می‌کنیم.

- ارجوزه شیخ محمدعلی فرزند محمد اعسم (م ۱۲۳۳ ق.): آغاز آن چنین است:
 نحمدک اللهم یا من شرعا دیناً به النبی طه صدعا
 ومن ابان حکم الانسان حیاً ومیتاً بأحسن البیان
 در ادامه می‌گوید:

وبعد لما أن وقفت فی الأثر علی حدیث جاء من خیر البشر
 تعلموا علم الموارث وقد سمناه نصف العلم فیما قد ورد
 (همان: ۴۵۴/۱)

- ارجوزه سید محسن امین عاملی (م ۱۳۷۱ ق.): ارجوزه‌اش در ارث به نام
(جناح الناهض الی تعلم الفرائض) است. آغاز آن:

الحمد لله القديم الوارث المنشئ الخلق الممیت الباعث
 (امین، معادن الجواهر، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۴)

۴ - در باب حج نیز به دو منظومه از میان تعداد زیاد منظومه‌های این باب اشاره

می‌کنیم:

- ارجوزه شیخ طاهر حجامی کبیر (م ۱۲۷۹ ق.) به نام *تحفة النساء*. ارجوزه‌ای است مفصل در احکام و مناسک حج تمتع ۲۷۷ بیت دارد. یکی از بزرگان خاندان کاشف الغطا در ستایش این منظومه گفته است:

أَعْقُوذُ عَلَى نُحُورِ الْعَذَارَى أَمْ عَنَاوِينَ حِكْمَةً لَا تَبَارَى
أَوْصَحْتَ مِنْهَجَ الْهَدَى لِلْمُضِلِّينَ بِنُورِ لَوْلَاهُ ضَلُّوا حَيَارَى

(آقا بزرگ تهرانی، *الکرام البررة*، ۱۴۰۴: ۶۸۱/۲ و خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۴)

- منظومه سید عدنان غریفی (م ۱۳۴۰ ق.): در احکام حج و اسرار آن؛ این

منظومه حدود هزار بیت است. آغاز آن:

الحجُّ والعمرةُ فَرَضَانِ عَلَيَّ مِنْ اسْتَطَاعَ فِي الشَّرُوطِ سَجَلَا
فُضِّتْ بِهِ ضَرُورَةُ الدِّينِ الْأَعْرَ لَا يُنْكَرُ الْوَجُوبَ الْأَمَّنْ كَفَّرَ
بِالْأَصْلِ وَالنَّذْرِ وَبِالْأَمْرِ يَجِبُ وَبِالْفَسَادِ وَهُوَ بَعْدُ مُسْتَحَبُّ

(همان: ۱۸۰/۶ و آمینی، ۱۴۱۳: ۹۱۸/۲)

۵ - *منظومه فی شکوک الصلاة*؛ ناظم آن شیخ أحمد فرزند صالح ستیری بحرانی

(م ۱۳۱۵ هـ. ق.) (خاقانی، ۱۴۲۱: ۱۷۹/۱۷)

۶ - در باب رضاع (شیر دادن)، شرایط و احکام آن منظومه‌های زیادی دیده

می‌شود. شاید علت آن این باشد که در آن روزگار این کار رواج داشت. دایه‌هایی بودند که به نوزادانی که مادرانشان نمی‌توانستند به آنها شیر دهند، شیر می‌دادند. به سه منظومه در این باب اشاره می‌کنیم:

- منظومه سید محمدجواد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ هـ. ق.): صاحب *مفتاح*

الکرامه در شرح قواعد علامه این منظومه یکصد و چهل بیت دارد. آغاز آن:

الحمد لله وصلّى الباری
 علی النبی الطاهر المختار
 در ادامه می‌گوید:

فبعدهُ فالرضاعُ أمرٌ جار
 فی سائر الاعصار والأمصار
 فهاک نظماً راق فی الرضاع
 لیسهل الحفظ علی الطباع
 (حسینی عاملی، بی تا: ۷۷۵/۴ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ. ق: ۱۱۰/۲۳)
 - منظومه سید صدرالدین عاملی (م ۱۲۶۳ ق.):
 آغاز آن این گونه است:

إن أحرزَ الرضاعَ شرطُهُ نَشَر
 تحريمٌ تزویج و تحلیل نُظَر
 این منظومه حدود هفتاد بیت دارد. خود ناظم شرح مفصلی بر آن نوشته به نام
 شرح الارجوزة الرضاعیة. (همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳).

- منظومه محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق.): ؛ آغاز آن چنین است:

الحمد لله علی إفضاله
 بالرزق للطفل لدى استهلاله
 در ادامه می‌گوید:

وبعده فاعلم بأنّ الداعی
 للنظم فی مسائل الرضاع
 انّی رأيتها كثيرة الشّعَب
 والبحث عن أحكامها وجَب
 و در ابتدای بیان احکام آن می‌گوید:

صحّ الحدیث عن نبی الأُمّة
 وعن بنیه الساده الأئمّة
 إنّ الرضاع حکمه حُکمُ النسب
 فیماله من حکم تحريم وجب
 (همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳)

۷- منظومه زکات؛ ناظم آن سید محمدجواد عاملی، این منظومه در شرح حال
 ناظم در آخر کتاب متاجر **مفتاح الکرامه** ذکر شده است. (همان: ۴۷۶/۱)

۸- **منظومه فی الصوم**؛ نوشته شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی معروف به
 کمپانی (م ۱۳۶۱ هـ. ق) آغاز آن:

الصوم فی شریعة المختار ترک المفطرات فی النهار

این منظومه بر خلاف آثار دیگر نویسنده که مورد اهتمام فقها و اصولیان می‌باشند، مورد توجه قرار نگرفته به طوری که در برخی از کتابها جزء تألیفات ایشان نیامده است. (آمین، ۱۴۱۳: ۱۳۴/۱)

۹ - منظومه فی النکاح؛ ناظم آن شیخ حسین فرزند شیخ مشکور حولای (م ۱۳۸۸ هـ. ق) این منظومه دارای یکهزار و شصت بیت است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۴۵/۲۳)

۱۰ - منظومه فی الوقف؛ نوشته سید محمدعلی موسوی عاملی اصفهانی مشهور به آقا مجتهد (م ۱۲۸۰ ق.) این منظومه چاپ نشده نزد نوادگان ناظم آن می‌باشد. (آمین، ۱۴۰۳: ۶/۱۰) آنچه ذکر شد بخش کوچکی از منظومه‌های فقهی فقهای عظام رضوان الله تعالی علیهم در دو قرن اخیر است. جهت اطلاع بیشتر به کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه جلد اول و بیست و سوم مراجعه شود.

بخش دوم: بررسی چند منظومه فقهی

۱ - ارجوزه اعسمیه نوشته فقیه نامور شیخ محمدعلی فرزند شیخ حسین فرزند حاج محمد اعسم نجفی (ره) متوفای سال ۱۲۳۳ هـ. یکی از زیباترین و مشهورترین منظومه‌هایی است که در فقه نوشته شده است. فقیه بزرگ شیخ محمد ابراهیم کرباسی متوفای سال ۱۴۰۷ هـ می‌گوید که این ارجوزه یکی از سه منظومه مشهور است که عبارتند از: ارجوزه ابن مالک در صرف و نحو و دیگری الدرّة النجفیة سید مهدی بحرالعلوم در فقه و سومی این ارجوزه در فواید و آداب اطعمه و اشربه. این ارجوزه دارای ۱۴۶ بیت است و متضمن اخبار و روایات وارده از معصومین علیهم السلام می‌باشد.

مقدمه منظومه:

الحمد لله وصلّى الباری
 وآله الأطهار ارباب الکرّم
 وبَعْدُ فالعبدُ الفقیرُ الْمُحْتَمی
 قالَ نَظَرْتُ فی کتابِ الْأَطْعَمَه
 علی النبیِّ اَحْمَدَ الْمُحْتَارِ
 وَمَنْ بِهِمْ تَمَّتْ علی الخَلْقِ النُّعْمُ
 بِظِلِّ آلِ البیتِ ابنِ الْأَعْصَمِ
 مِنْ الدَّوَاعیِ ما اقْتَضَى أَنْ انظّمه

در نسخه چاپ آستان قدس رضوی به جای (من الدواعی) من الدروس نوشته و در پاورقی مراد از دروس را کتاب دروس شهید بیان کرده است و ظاهراً این معنی بهتر است.

مما به روی من الآداب
 مُكْتَفِياً بِذاکِ أَوْ أُذْکُرُ ما
 مُقْتَصِراً فیهِ علی مَثْنِ الخَبْرِ
 عند حضور الأکل والشراب
 رَواه فی ذلِکَ بعضُ العُلَماءِ
 أَوْ نَصَّ مَنْ لَمْ یُفْتِ الْأَ عن أثر

آن گاه ناظم درباره نان و ویژه گیهای آن می گوید:

الْفُضْلُ لِلْخُبْزِ الَّذی لَوْلَاهُ
 ما كانَ یوماً یُعْبَدُ الإلهُ

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است: «اللَّهُمَّ بارک لنا فی الخبز ولا تفرّق بیننا و بینه، فلولا الخبز ما صمنا ولا صلینا ولا اذینا فرايض ربّنا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۶)

و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «انما بُنیَ الجسدُ علی الخبزِ» (همان: ۲۷۰/۶۶)

و در ادامه می گوید:

أَفْضَلُهُ الخُبْزُ مِنْ الشّعیرِ
 ما حلَّ جَوْفاً قَطُّ الاَّ أُحْلِیا
 فَهَوَ طَعامُ القانِعِ الفَقیرِ
 مِنْ كُلِّ داءٍ وَهُوَ قُوْتُ الأَنْبِیاءِ

محمد بن یعقوب کلینی در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که امام فرمود: «فضل الشعیر علی البر کفضلنا علی الناس، ما مِنْ نبی الاَّ وَقَد دَعَا لِأَکْلِ الشّعیرِ

وبارك عليه وما دخل جوفاً إلا وأخرج كل داءٍ فيه وهو قوت الانبياء وطعام الأبرار، أبا الله
أن يجعل قوت أنبيائه إلا شعيراً» (حر عاملی، بی تا: ۱۷/۴)

له على الحِنْطَةِ فَضْلٌ سامی كَفَضْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْأَنَامِ
ما مِنْ نَبِيٍّ لِإِعْتِنَاءِ فِيهِ الْإِلاَّ وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِيهِ

در این ابیات معنای روایت به صورتی دقیق به نظم درآمده است.

و در آداب خوردن غذا می گوید:

سَمٌّ عَلَى الْمَأْكُولِ فِي ابْتِدَاءِ وَفِي الْأَخِيرِ اِحْتِمَاءٌ وَفِي الْأَنْتَاءِ
وَإِكْتَفٍ بِالْمَرَّةِ فِيمَا يَتَّحِدُ وَسَمٌّ عِنْدَ كُلِّ لَوْحٍ إِنْ يَرِدُ

مقصود وی در بیت دوم این است: در صورتی که بر روی سفره یک نوع غذا
باشد بردن نام خداوند در آغاز یک بار کافی است ولی در صورت تنوع غذاها برای
شروع به خوردن از هر کدام باید نام خدای متعال برده شود. سپس در ادامه آورده
است:

وَيَكْرَهُ الْأَكْلُ عَلَى الشَّبْعِ إِذَا لَمْ يُؤْذِ وَالْمَحْظُورُ مَا فِيهِ أذى

این بیت در نسخه آستان قدس رضوی ذکر نشده است.

وَالْأَكْلُ مَشِيئاً وَمَعَارِضاً نَقَلَ عَلَى الْبَيَانِ لِلْجَوَازِ قَدْ حَمَلَ

فَعَلَ النَّبِيُّ مَرَّةً فِي الزَّمَنِ فِي كَسْرَةِ مَغْمُوسَةٍ بِاللَّبَنِ

ناظم در این ابیات به اختلاف روایات در باب خوردن غذا هنگام راه رفتن اشاره
می کند. ابتدا می گوید این کار مکروه است سپس آن را معارض با روایتی می بیند که
پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله زمانی تگه ای از نان را در کاسه شیر فرو برد و مشغول
خوردن آن شد در حالی که راه می رفت. شاعر با توجه به این کردار پیامبر صلی الله علیه
وآله این روایت را حمل بر جایز بودن این عمل می کند زیرا فعل پیامبر صلی الله علیه
وآله حجت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لا تأكل وأنت تمشي
إلا أن تضطرَّ إلى ذلك» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۸/۶۶).

در روایتی دیگر آمده است: «... خرج رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ الْغَدَاةِ وَمَعَهُ كَسْرَةٌ قَدْ غَمَسَهَا فِي اللَّبَنِ وَهُوَ يَأْكُلُ وَيَمِشِي...» (همان: ۳۸۸/۶۶)

نتیجه این که خوردن در حال راه رفتن جایز است و کراهت آن محل اشکال می‌باشد.

در بیان حکم تکیه دادن در حال غذا خوردن می‌گوید:

وَالِاتِّكَاءَ حَالَةَ الْأَكْلِ اِتْرُكُ مَا أَكَلَ النَّبِيُّ وَهُوَ مُتَّكِيٌ
وَابْنُ الْيَسَارِ وَهُوَ بَعْضُ الْعَمَدِ رَوَى جَوَازَ الْإِتِّكَاءِ عَلَى الْيَدِ

ناظم در این ابیات ابتدا حکم به ترک تکیه دادن در زمان خوردن می‌کند به دلیل این که هیچ‌گاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با این حالت غذا نخورد ولی در بیت دوم این حکم را معارض با روایت فضیل بن یسار از اصحاب جلیل القدر امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌داند که در آن حکم به جواز خوردن در حالت تکیه دادن بر دست شده است. (حر عاملی، بی تا: ۴۱۵/۱۶)

از دیگر آداب غذا خوردن، کراهت دمیدن بر غذای گرم جهت سرد شدن آن، و نگاه کردن به دوستانی که با آنان بر سر سفره غذا می‌خورد و نیز نظر کردن به غذایی که می‌خورند، است. وی در این خصوص می‌گوید:

وَيَتْرَكَ النَّفْخَ وَلَا يَنْظُرُ إِلَى أَكْلِ رَفِيقٍ مَعَهُ قَدْ أَكَلَا

قال: واتي النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ فَوَضَعَ يَدَهُ فِيهِ فَأَذَا هُوَ حَارٌّ فَقَالَ دَعُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ إِنَّهُ اعْظَمُ بَرَكَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَطْعَمْنَا النَّارَ (حر عاملی، بی تا: ۱۴/۱۷).

عن الصادق عن آبائه عن الحسن بن علي عليه السلام قال: «في المائدة اثنتا عشرة خصلة... وقلة النظر في وجوه الناس».

مقصود از ناس، کسانی هستند که با او هم غذا می‌باشند.

و در آخرین بخش از آداب غذا خوردن می‌گوید:

دع السکوت فهی سیره العجم وجوز المضع وصغر اللقم
لا تحتم فی صحة بلا غرض فهو کترک الاحتمال المرض

الاحتماء به معنی پرهیز از خوردن غذا است.

ساکت بودن در حال خوردن غذا را رها کن زیرا این سیره و روش عجم (غیر مسلمانان) است. از امیرالمؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... اکثرُوا ذکر الله علی الطعام...»

و از احکام ارشادی ائمه علیهم السلام در این زمینه خوب جویدن و دیگری کوچک برداشتن لقمه است. در روایت پیشین امام حسن مجتبی علیه السلام به این دو خصلت اشاره فرمودند: (تصغیر اللقمة والمضغ الشدید...)

ناظم در بیت دوم پرهیز از غذا در حالت صحت و تندرستی بدون داشتن هیچ غرضی را منع می‌کند همانگونه که پرهیز نکردن از غذاهای مضر در حالت بیماری ممنوع است. منبع این دستور بهداشتی را در کتابهای روایی نیافتیم.

بخشی دیگری از این ارجوزه در بیان خواص تعدادی از میوه‌ها و عسل می‌باشد. اکثر این خواص مستند به احادیث نبوی و یا روایات امامان معصوم علیهم السلام است.

وی در بیان خواص انار می‌گوید:

وسید الفواکه الرمان يأکله الجائع والشبعان
مُتَوِّرٌ قلوبَ أهل الدین ومُذهبٌ وسوسة اللعین

علامه سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲هـ) نیز منظومه‌ای درباره خواص انار دارد

بخشی از آن چنین است:

یا طالباً فضائل الرمان	اتل لذاک سورة الرحمن
تجد بها الرحمن فیها فضله	أجمله طوراً وطوراً فضله
عظمه فی النعت اذ قد نکره	ثم ارتضاه غایه فأخره
وانه لسید الفواکه	لیس له فی اللطف من مشاکه
وهو طعام وشراب جمعا	یصلح للأکل وللشرب معا
یؤکل فی الجوع و فی حال الشبع	وفی الظما والرئ فیه منتفع

(بحرالعلوم، ۱۲۸۰: مقدمه مواهب السنیه)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ أَكَلَ رَمَانَةَ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَطُرِدَ عَنْهُ شَيْطَانُ الْوَسْوَسةِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ...» (حر عاملی، ۱۲۰/۱۷)

میوه‌های دیگری که در این ارجوزه خواص آنها ذکر شده است عبارتند از: انگور، انجیر، خربزه، خرما، سیب و به؛ سپس از غسل نام می‌برد. آن‌گاه به ترتیب به فواید و مضرات تخم مرغ، انواع گوشت، حلیم، ماهی، سرکه، کدو، ماش، عدس، پیاز، سیر، هویج، کرفس، تره، کاهو و شلغم اشاره می‌کند و در پایان چگونگی خلال دندانها و حکم آن را بیان نموده و فصلی در استشفای با تربت قبر امام حسین علیه السلام ذکر کرده است.

بخش دیگری از این ارجوزه پیرامون انواع نوشیدنیها است، او درباره آب و احکام آن می‌گوید:

سید کلّ المائعات الماءُ ما عننه فی جمیعها غناء
اما ترى الوحی الی النبیّ منه جعلنا کلّ شیء حیّ

در این بیت اشاره به آیه ۳۰ سوره انبیاء شده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»

و در ادامه می‌گوید:

وَمَنْ يَنْحَيِّهِ وَيَشْتَهِيهِ وَيُحْمَدُ اللَّهُ ثَلَاثًا فِيهِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيُرَوَى أَذَى يُوجِبُ لِلْمَرْءِ دُخُولَ الْجَنَّةِ
وَفِي ابْتِدَاءِ هَذِهِ الْمَرَّاتِ جَمِيعِهَا بَسْمَلٌ لِنَصِّ آتٍ

در روایت عبدالله بن سنان، گفته: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمود: همانا شخص آب می‌نوشد، خداوند متعال بخاطر آن او را از بهشتیان قرار می‌دهد، گفتم: چگونه؟ فرمود: شخص آب می‌نوشد سپس نوشیدن آب را قطع می‌کند و ظرف آب را از دهان دور می‌کند پس خداوند را ستایش می‌کند پس از آن دوباره آب می‌نوشد بار دیگر حمد خدا را می‌گوید سپس برای بار سوم این کار را تکرار می‌کند با این شیوه آب نوشیدن خداوند او را داخل بهشت می‌گرداند در هر بار آب نوشیدن بسم الله می‌گوید. (بحار مجلسی، ۴۶۴/۶۶)

و نیز در ادامه می‌گوید:

وَالْمَاءُ إِنْ تَفَرَّغَ مِنَ الشَّرَابِ لَهُ صَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْعَن قَاتِلَهُ
تَوْجُرَ بِأَلْفٍ عِدَادِهَا مِثُّهُ مِنْ عَتَقَ مَمْلُوكًا وَحَطَّ سَيْئَهُ
وَدَرَجٌ وَحَسَنَاتٌ تَرْفَعُ فَهِيَ أَذِنُ مِائَاتِ الْفِ أَرْبَعُ

داود رقی می‌گوید: کنت عند أبي عبدالله عليه السلام إذا استسقى الماء فلمّا شربه رأيتُه استعبر واغرورقت عيناه بدموعه، ثمّ قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين عليه السلام فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين ولعن قاتله الاّ كتب الله له مائة الف حسنة وحطّ عنه مائة الف سيئة ورفع له مائة الف درجة وكأنا اعتق مائة الف نسمة وحشره الله يوم القيامة تلج الفؤاد (ابن قولويه، ۱۰۶).

سپس خواص آب رودخانه‌های فرات و نیل و چاه زمزم را ذکر کرده است و در قسمت پایانی منظومه اشعاری درباره مسافرت و آداب آن این‌گونه می‌سراید:

من شرف الانسان في الاسفار تطييبه الزاد مع الإكثار
 وليحسن الانسان في حال السفر اخلاقه زيادة على الحضر
 وليدع عند الوضع للخوان من كان حاضراً من الاخوان
 وليكثر المزح مع الصحب اذا لم يسنخ الله ولم يجلب اذى

ناظم، ارجوزه را با ابیاتی درباره تکریم و گرامی داشت میهمان به پایان می‌رساند:

والضيف يأتي معه برزقه فلا يُقَصِّرُ أحداً بحقّه
 يلقاه بالبشر وبالطلاقه ويُحَسِّنُ القري بما اطاقه

امام صادق علیه السلام فرمود: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: إنَّ الضيف اذا جاء فنزل بالقوم جاء برزقه معه من السماء، فاذا أكل غفر الله لهم بنزوله عليهم (کلینی، ۱۳۶۷: ۲۸۴/۶).

۲ - الدرّة النجفیّة؛

منظومه الدرّة النجفیّة به نامهای دیگر هم چون «الدرّة البهیّة، الدرّة المنظومة، الدرّة العالیّة فی المسائل العالیّة و منظومة بحر العلوم» نیز شناخته می‌شود. (تهرانی، ۲۳۵/۱۳)

محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق.) شاگرد سید بحر العلوم، منظومه را در ضمن ابیاتی توصیف نموده که آغاز آن این گونه است:

درّة علم هی ما بین الدرر فاتحة الكتاب ما بین السور
 (بحر العلوم، مقدمه)

این منظومه شامل بیش از دو هزار بیت در مبحث طهارت و نماز تا نماز طواف است. محتوای آن غالباً استدلالی نیست، لیکن در بعضی از موارد به دلیل حکم اشاره شده است. چنانچه در ابیات مقدمه گذشت در سال (۱۲۰۵ = غرّه)، هفت سال پیش از وفاتش، ۱۲۱۲، شروع به سرودن آن نمود. شکی نیست که وی تصمیم به تکمیل ابیات در ابواب دیگر فقه داشته، لیکن عمر او اجازه تکمیل نداده است. چهار شرح منظوم

دارد به نامهای: ارجوزه فی شرح الدرہ نوشته رضا گلپایگانی و ارجوزه دیگر نگارش عباس بن حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطا است. این شرح، مزجی می باشد بدین گونه که ابیات اصل را با شرح درهم آمیخته است. آغاز آن:

الماء ما سمی ماءً مطلقاً فضلاً علی الناس طهوراً خلقاً

سومین شرح منظوم نوشته سید بحر العلوم بنام سید حسین و شرح چهارم با نام

ارجوزه فی شرح الطهاره نوشته سید کلب باقر نقوی است. (تهران، ۱۳۸۷ هـ. ق.:

۲۴۱/۱۳ - ۲۳۵)

بخشهایی از این منظومه را بررسی می کنیم.

القول فی الوضوء:

لا یجب الوضوء الاً أن یجب مشروطه فإن یکن ندباً ندب

سید بحر العلوم در این بیت عدم وجوب وضو را فی نفسه بیان می کند. بدین معنا که وجوب آن غیر است یعنی تابع وجوب مشروطش می باشد مانند نماز و طواف واجب و در صورتی که مشروط مستحب باشد مانند نماز نافله وضو گرفتن مستحب است و واجب نیست. البته انجام دادن آن عمل بدون وضو صحیح نمی باشد.

وللظهر شرط فی الصلاة مطلقاً وما بها کجزئها قد الحقا

من ذاک المرغمتان عندنا وشد من ابدی خلافاً معلنا

مراد از ظهر در اینجا وضو است که شرط صحت و مباح بودن نماز است. مقصود از مطلقاً این است که خواه نماز واجب باشد مانند نمازهای پنجگانه یومیه یا مستحب باشد. این موضوع مورد اجماع فقها است. در صحیح زراره از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «لا صلاة الاً بطهور» (حر عاملی، ۲۵۶/۱)

و همچنین وضو شرط انجام دادن اجزای فراموش شده مانند سجده و تشهد می باشد. و نیز وضو شرط است در به جا آوردن دو سجده سهو (المرغمتان). این دو سجده را رسول خدا صلی الله علیه و آله، چنانچه در حدیث آمده است، مرغمتان نامید.

(سید محمود طباطبائی، ۱۲۲/۱)

فقهایی که بر خلاف آن نظر داده‌اند نظرشان شاذ و مخالف رأی اکثر فقهای شیعه می‌باشد.

ناظم در بخش دیگری از این منظومه موارد استحباب وضو را با بیانی شیوا و اشعاری روان بیان کرده است، آن‌گاه در واجبات وضو می‌گوید:

إنَّ الوضوءَ (غسلتان - عندنا - ومسحتان) والكتاب معنا
فَالغسلتان الوجه والیدان والمسحتان الرأسُ والرجلان
والوجه (ما بین القصاص والذقن) (مما حوی الابهام والوسطی) اجعلن

(بحرالعلوم، ۱۵)

در بیت اول عبارت والكتاب معنا، اشاره به دلیل حکم دارد.

پر واضح است که اشعاری چنین عالمانه و استادانه کاری لطیف و جذاب است و برای از بر کردن قواعد و احکام فقه کمک بسزایی است. دقت در بیان مطالب سبب شده که این منظومه مورد توجه فقها و اندیشمندان حوزه‌های علمیه قرار گیرد و دهها شرح به نظم و نثر بر آن نوشته شود.

در این منظومه به مناسبت بیان بعضی از احکام شرعی، مطالب اخلاقی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در احکام جنائز می‌گوید:

اعاننا الرحمن عند السَّوْقِ حتی نحب الموت حبَّ شوق
وثبَّت الايمان في قلوبنا وطهر الديوان من ذنوبنا
اوص اخي بكل حق مفترض في كل حال سيمًا حال المرض
لاتنس ذكر هادم اللذات إن لم تجئة فهو جاء آتى

(همان: ۶۲ و ۶۳)

آغاز خروج روح از بدن را سوق بفتح سین یا احتضار گویند. عیادت از بیمار مستحب موکد است و در بعضی از موارد واجب می‌شود، در صورتی که بیمار خویشاوند باشد و ترک عیادت وی سبب قطع رحم شود. (طباطبائی، ۳۲۰/۴)

۳- الدرر البهیة (ارجوزة فی الفقه)؛

ناظم علامه فقیه سید حسن عریضی خراسانی (م ۱۳۰۶ هـ). این عالم خبیر از فقهای ناشناخته و گمنام جهان اسلام در دوره اخیر است، که ترجمه احوال و آثار او حتی در «طبقات اعلام الشیعه» و کتاب «الذریعه» علامه شیخ آقا بزرگ و «اعیان الشیعه» علامه سید محسن امین درج نشده است. این ارجوزه جزء منظومات چهارگانه‌ای است که توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ رسیده است.

این ارجوزه دارای ۴۶۲ بیت است. از اول کتاب صلاه تا اذن و اقامه. مبحث طهارت (وضو، غسل و تیمم)، نجاسات و کیفیت تطهیر آن و اقسام آب و احکام مترتب بر آن بر خلاف ترتیب کتب فقهی مشهور در ضمن شرایط نماز بیان شده است.

آغاز آن چنین است:

الحمد لله العلی العالم	بكل شیء الخبیر الحاکم
ثم صلاة لا تعدد بالعدد	ولا لها حد ولا لها امد
سميتها بالدرر الهیة	فأثقت درتنا الغریة!

در بیت اخیر اشاره به منظومه سید مهدی بحر العلوم «الدرة الغروية و یا النجفیه» می‌کند و به سبک و روش ابن مالک که گفته «فأثقت الفیة ابن معط» ولی به دنبال آن گفته «وهو بسبق حائز تفضیلا» در اینجا ناظم پس از ذکر دلیل برتری منظومه‌اش، البته دلیلی که با مقایسه این دو منظومه ضعف آن آشکار می‌شود، می‌گوید:

إذ غالباً يستنطق الدلیل	منها كذا الخلاف والتفصیل
لكنهما السابق حاز الفضلا	بسببته عرفاً فلا يستعلی

(عریضی، ۷۹)

پس از آن وارد مبحث نماز می‌شود:

إن الصلاة لم تجب إلا على
 عن الدمين عاقلاً وقد بلغ
 عليه من عانیه وللدنكر
 وغيره تسعاً وأما الحملُ
 من وجد الطهور وهو قد خلا
 الخُلْمَ أو خَشِنُ الشعر بزغ
 بلوغه اربعمَ أو خمّسَ عشر
 فيعرفُ السبق به والأصل

(همان: ۸۰)

تا اینجا نشانه‌های بلوغ پسران و دختران را بیان کرد. غالباً معنی هر بیت کامل نیست و متعلقات و متمم معنی آن در بیت بعدی است.
 و در اقسام نمازها می‌گوید:

وسبعة اقسامها المرعيه
 ودونها الجمعة ثم العيد
 وللطواف ركعتان بعده
 لانها ليست سوي الدعاء نعم
 بنذر أو يشبهه والفايت
 افضها اليوميّة المرضيّه
 على التي للآية تزيد
 وما على الميت لا تعدّه
 يلزم أن يعدّها منها الملتزم
 من نفسه أو من أبيه الميت

بیشتر ابیات این ارجوزه بیان مسائل فقهی بدون ذکر دلیل و یا اقوال مخالف در مسأله است ولی در پاره‌ای از مسائل اشاره به دلیل و یا آرای دیگران شده است.

مانند بیان شستن صورت و مسح سر در وضو:

وحدّد الوجه كما عنهم يُعَن
 وما عليه الاصبعان اشتتملا
 ومنتهى الايدي هو المرافق
 بمسح بعض الرأس نحن نكتفي
 طولاً بما بين القصاص والذقن
 عرضاً كما في خبر قد قبلا
 كما به الكتاب ايضاً ناطق
 لأن لفظ الباء بالبعض يفى

(همان: ۸۱)

در بیان حکم حدث اصغر در اثنای غسل می‌گوید:

ولا یعیذُ بل یتَمُّ لو حدث
لکن مع الوضوء بعد ما فرغ
من سایر الأقوال فهو قد عری
اتناء الاغتسال اصغر الحدث
کما ارتضاه المرتضی وما بزغ
عمًا من الوجه لدينا اعتبرا
(همان: ۸۲)

و در حکم طهارت اهل کتاب می گوید:

الکافر غیر الکتابی نجس
للاختلاف فی النصوص والاصح
سبیل الاحتیاط فهو المسلک
امّا هو فالحکم فیہ مُلتبس
فیہ الطهارة ولكن اتّضح
ومذهب الاکثر لیس یترک
(همان: ۸۶)

رأی سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید را در مسأله حرمت خواندن نافله پس از نماز صبح تا طلوع خورشید و نیز پس از نماز عصر تا غروب آفتاب نپذیرفته و می گوید:

ویکره (التفل) بعد صلاة الفجر
الی الغروب وكذا عندهما
وقبله المفید فی ذین ولم
الی الطلوع وبعده العصر
والمرتضی خالفنا فحرّمَا
أظفر بوجه لهما لئلا یتزئم
(همان: ۹۳)

و در پایان این ارجوزه می گوید:

ویسقط الأذان فی الأسفار
والعصر فی الجمعة ثم عرفه
وهكذا اخیره الفرضین إن
واختلف الاخبار فی الفصول
خصوصه لظاهر الاخبار
وللعشاء لیلة المزدلفه
بینهما یجمع باجماع زکن
وما هو الأشهر فی القبول
(همان: ۹۹)

در بررسی این منظومه‌ها، استدلال به ادله اربعه، به کارگیری قواعد اصول و

طرح دیدگاههای انتقادی مخالف به روشنی دیده می‌شود، مواردی از آن را ذکر می‌کنیم. در این آیات اشاره به استصحاب شده است:

لو عَلِمَ الطَّهْرَ وَشَكَأَ فِي الْحَدَثِ لم يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ بَلْ يَنْفِي الْحَدَثَ
وَيُثِبُ الطَّهْرَ وَفِي الْعَكْسِ عَكْسٌ ذَا الْحَكْمِ قَطْعاً وَكَذَا إِذَا تَبَسَّ
مَعَ كَوْنِ كُلِّ مِنْهُمَا قَدْ عَلِمَا أَنْهُمَا أَيْ هُمَا تَقَدَّمَا
(عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۰)

در تحدید وجه در وضو می‌گوید:

وحدد الوجه كما عنهم يُعْنُ طولاً بما بين القصاص والذقن
وما عليه الاصبغان اشتملا عرضاً كما في خبر قد قبلا
(همان: ۸۱)

اشاره به خبر صحیح زراره از امام باقر علیه السلام:

«انه قال لابي جعفر الباقر عليه السلام: اخبرني عن حد الوجه الذي ينبغي ان يوضأ الذي قال الله عزوجل، فقال: الوجه الذي قال الله وأمر الله عزوجل بغسله الذي لا ينبغي لأحد أن يزيد عليه ولا ينقص منه، إن زاد لم يؤجر وإن نقص منه أثم، ما دارت عليه الوسطي والابهام من قصاص شعر الرأس الى الذقن، وما جرت عليه الاصبغان من الوجه مستديراً فهو من الوجه، وما سوي ذلك فليس من الوجه. فقال له: الصدغ من الوجه؟ فقال: لا» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۸۴/۱).

علامه بحر العلوم در تداخل اسباب غسل می‌گوید:

والحكم في تعدد الاسباب تداخل الكل بلا ارتياب
إن تتحد نوعاً وإن لم تتحد تداخل الكل إذا الكل قصد
وقيل إن كان جناباً كفي والغير لا يكفي وفي الفرق خفا
(بحر العلوم، ۱۴۰۵: ۲۸)

قیل اشاره به قول ابن ادریس است در سرائر که تداخل را در صورتی که غسل

جنابت یکی از آن اغسال باشد جایز می‌داند ولی در غیر این صورت تداخل اسباب ممتنع است. سید در رد او به این جمله اکتفا کرده است که (وفی الفرق خفا) تفاوتی میان غسل جنابت و دیگر اغسال وجود ندارد.

سید عریضی در همین مسأله می‌گوید:

إن جمعت علیه اسباب كفی عن الجميع واحداً بلا خفا

وهكذا الوضوء بل فيه اتفاق اصحابنا قديمهم وما التحق

(عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۲)

اشاره به اجماعی بودن تداخل اسباب در وضوء است ولی در غسل اختلاف وجود دارد.

سید بحرالعلوم در بحث تیمم می‌گوید:

يجرى الصعيد باتفاق العلماء ونصّ قول الله من تيممنا

(بحرالعلوم، ۴۳)

دلیل مجزی بودن صعيد را اجماع علما و نص آیه قرآن ذکر کرده است. وفی السرائر ان الاجماع منعقد علی ان التيمم لا يكون الا بالارض أو ما يطلق علیه اسمها خلافاً للمحکی عن ابی حنیفه ومالك (نجفی، ۱۱۸/۵).

و اما نص قرآن اشاره به آیه ۴۳ سوره نسا و آیه ۶ سوره مائده می‌باشد.

سید عریضی در مسأله طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الكافر غير الكتابي نجس اما هو فالحكم فيه ملتبس

للاختلاف في النصوص والاصح فيه الطهارة ولكن اتضح

سبيل الاحتياط فهو المسلك ومذهب الاكثر ليس يترك

اشاره به اختلافی بودن آن در میان فقها و مخالفت اکثر ایشان با طهارت اهل

کتاب لذا در این مورد و مشابه آن راه احتیاط را بر می‌گزیند. (عریضی خراسانی، ۸۶)

در جای دیگر در طهارت خف و نعل و کف پا و امثال آن می‌گوید:

الخف والنعل واسفل القدم ونحوها تطهر بالارض ولم

ينقل خلاف فيه الا ما ظهر عن شيخنا الطوسي وهو قد ندر

اینجا تمسک به اجماع نموده است و مخالفست شیخ طوسی و خروج او را از

مجمعین را منافی با اجماع نمی‌داند. (همان: ۸۸)

سید بحرالعلوم قائل به تسامح در ادله سنن می‌باشد زیرا او در مسأله استحباب

تیمم، مواردی که وضو و غسل مستحب می‌باشد می‌گوید:

فهو عن الواجب والندب بدل يحل عند العجز حيث الاصل حل

(بحرالعلوم، ۴۷)

بنا به قول محقق نراقی هیچ دلیلی بر اثبات استحباب نیست مگر فتوای عده‌ای

از فقها و شهرت آن. (نراقی، ۴۱۵/۳)

همان‌گونه که می‌بینیم شیوه استدلال به ادله اربعه در منظومه‌ها غالباً به صورت

اشاره می‌باشد و همچنین به اصولی مانند استصحاب و احتیاط و تخییر بدون ذکر نام

آن استدلال کرده‌اند. و اما اختلاف موجود میان فقها به صراحت در ابیات منظومه‌های

فقهی دیده می‌شود.

نتیجه

یکی از کارآمدترین شیوه‌های آموزشی، آموزش با کلام منظوم است. زیرا به

ذهن سپردن مطالب با سخن موزون زودتر حاصل می‌شود و دیرتر فراموش می‌شود.

فقها در دو قرن اخیر توجه زیادی به متون علمی منظوم داشتند و حتی آنها را حفظ

می‌کردند. سید محسن امین عاملی درباره (الدرة النجفیه) سید مهدی بحرالعلوم

می‌گوید: ارجوزه مشهوری است. سرور منظومه‌های فقهی است، بی نظیر است بسیاری

از فقها توجه و اهتمام خاصی به آن داشتند. نویسندگان روایات الجنات نقل می‌کنند که

صاحب جواهر الکلام ابیات این ارجوزه را به منزله روایات معتبر قرار داده است. اما

اکنون این منظومه‌ها رو به فراموشی است و یا به کلی فراموش شده است. احیای این

روش تعلیم، ارج نهادن به سخت کوشیهای گذشتگان و تشویق کسانی است که طبع

شعری دارند و برای به نظم درآوردن مطالب فقهی، ضروری به نظر می‌رسد و این اهداف محقق نمی‌شود مگر با آشنایی با منظومه‌ها و ارجوزه‌های پیشینیان به ویژه فقهای دو قرن اخیر.

در این پژوهش اضافه بر معرفی و بررسی تعدادی از منظومه‌های فقهی به جایگاه و ارزش علمی آنها در میان فقها پی می‌بریم. توان علمی ناظم و هنرمندی وی در ایجازگویی مسائل فقهی و ادله آنها در قالب ارجوزه مشاهده می‌شود و به تحقیق می‌توان گفت ارزش این منظومه‌ها از دیگر کتب فقهی استدلالی کمتر نمی‌باشد. در برخی از ادبیات این منظومه‌ها صنایع ادبی مانند جناس و طباق و تضمین به روشنی دیده می‌شود.

منابع

- آل محبوبه، جعفر؛ *ماضی النجف وحاضرها*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ *کامل الزیارات*، نجف اشرف: المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۶هـ.ق.
- الاعسم، محمد علی؛ *الأطعمة والأشربة آدابها وفوائدها*، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۷ هـ ۲۰۰۷م.
- _____؛ *منظومة ابن الأعسم فی المأكل والمشرب*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- أمین، سید محسن؛ *اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.
- _____؛ *معادن الجواهر ونزهة الخواطر*، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.
- أمینی، محمد هادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب فی النجف*، بی جا: ۱۴۱۳ق.
- انصاری، مرتضی؛ *کتاب الطهارة*، قم: ۱۴۱۵ق.
- _____؛ *کتاب الصلاة*، قم: ۱۴۱۵ق.
- بحرالعلوم، سید مهدی؛ *الدرة النجفیة*، قم: مکتبة المفید، ۱۴۰۵ق.
- تهرانی، آقا بزرگ؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۸۷ق.

- _____؛ *طبقات اعلام الشيعة نقيب البشر*، مشهد: دارالمرتضى، ۱۴۰۴ق.
- _____؛ *طبقات اعلام الشيعة الكرام البررة*، مشهد: دارالمرتضى، ۱۴۰۴ق.
- جلالی، سید محمدجواد؛ *مجله فقه أهل بیت علیهم السلام عربی*، قم: شماره‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲.
- حائری، عبدالکریم؛ *کتاب الصلاة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ق.
- حر عاملی، محمد بن الحسن؛ *وسائل الشيعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- حسنی بغدادی، سید محمد؛ *ارجوزة فی الصوم والاعتکاف والخمس*، نجف اشرف: ۱۳۸۴ق.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد؛ *مفتاح الكرامة*، قم: مؤسسه آل البيت، بی تا.
- حکیم، سید محسن؛ *مستمسک العروة الوثقی*، نجف اشرف: ۱۳۹۱ق.
- خاقانی، عبدالله؛ *شعراء النجف فی القرن الرابع عشر*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۱ق.
- خاقانی، علی؛ *شعراء الغری*، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- خویی، ابوالقاسم؛ *التفیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: دارالهادی، ۱۴۱۰ق.
- طباطبائی، سید محمود؛ *المواهب السنیة*، چاپ سنگی، بی جا: ۱۲۸۰ق.
- عریضی خراسانی، سید حسن؛ *اربع اراجیز*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.
- کاظمینی، سید محسن؛ *منظومة فقهية مستطرفة*، با شروح و تعلیقات سید عبدالحجه بلاغی، بی جا: بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *فروع کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محسنی، سید صادق؛ *منظومه های فقهی*، مجله آینه پژوهش؛ شماره ۳۸.
- نجفی، محمدحسن؛ *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.
- نراقی، احمد؛ *مستند الشيعة*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
- همدانی، رضا؛ *مصباح الفقیه*، چاپ سنگی، تهران: کتابخانه صدر، بی تا.